

تفسیر انسان به انسان

فهرست موضوعات

سخن ناشر ۱۱

مقدمه

۱. تفكيك منهج و موضوع در تفسير انسان به انسان ۲۱
۲. تفسير انسان به انسان به منزله تفسير انفسی قرآن حکيم ۲۲
۳. اتحاد عارف و معروف و معرفت ۲۴
۴. روش حصولی و شهودی ۲۶
۵. قلب سليم، منبع شناخت شهودی ۲۸
۶. اعتبار عقل و نقل ۳۲
۷. راز تفسير انسان به انسان ۳۶
۸. تغيير ناپذیری ساختار اصلی هویت انسان ۳۹
۹. جمع سالم در تفسير انسان به انسان ۴۳
۱۰. امامت تقوا پیشگان و تفسير انسان به انسان ۴۵
۱۱. تفسير انسان به انسان، راه شناخت خود از بیگانه ۴۸

۱۲. تفسیر انسان به انسان به منظور ساماندهی او در جهت سعادت ۴۹
۱۳. تفسیر انسان به انسان، سرمایه‌خودسازی و جامعه‌پروری ۵۰
- تذکر نکاتی مهم ۵۲

بخش یکم:

کلیات انسان‌شناسی

فصل یکم. امکان و اهمیت انسان‌شناسی

- گفتار اول. امکان انسان‌شناسی ۵۹
- دشوار بودن ادراک حقیقت انسان ۶۰
- امتناع اکتناه حقیقت انسان ۶۱
- گفتار دوم. اهمیت انسان‌شناسی ۶۲
۱. مقدمه خداشناسی ۶۲
۲. طریق تهذیب نفس ۶۴
۳. رهایی از آفات خودفراموشی ۶۶
- خودفراموشان در نگاه قرآن ۶۷
- انسای الهی ۶۹
- پیامدهای خودفراموشی ۷۱
۴. نقش‌آفرینی در سایر علوم ۷۲

فصل دوم. بررسی راههای شناخت

- گفتار اول. تفاوت راه با روش ۷۷
- گفتار دوم. راههای معرفت انسان ۸۱
۱. از راه شناخت خدا ۸۱
۲. از راه خود انسان ۸۱
۳. از راه آثار و لوازم ۸۳

فصل سوم. بررسی روشهای شناخت

- ۸۵ گفتار اول. مراتب و درجات معرفت
- ۸۷ گفتار دوم. اقسام روشهای شناخت
- ۸۷ ۱. روش وحی
- ۹۳ میزان بودن معرفت و حیانی
- ۹۴ ۲. روش کشف و شهود
- ۹۵ اقسام شهود انسان
- ۹۵ میزان بودن شهود انسان کامل
- ۹۸ میزان بودن حکمت متعالیه
- ۹۹ ۳. روش عقل و براهین عقلی
- ۱۰۰ ۴. روش نقل و شواهد روایی
- ۱۰۳ ۵. روش ریاضی
- ۱۰۴ ۶. روش تجربی
- ۱۰۵ گفتار سوم. اقسام روشهای شناخت انسان
- ۱۰۷ ۱. روش وحیانی
- ۱۰۷ ۲. روش شهودی
- ۱۰۸ راههای اثبات انسان شناسی شهودی
- ۱۱۳ ترك دنیا، مقدمه شناخت شهودی
- ۱۱۶ حضور همیشگی در مدرسه خودشناسی
- ۱۱۷ خودشناسی حقیقی با شناخت شهودی
- ۱۲۰ ۳. روش نقلی
- ۱۲۱ تعامل نقل و عقل
- ۱۲۴ ۴. استفاده از روشهای دیگر در انسان شناسی
- ۱۲۶ گفتار چهارم. علاج تعارض در خلال این روشها

گفتار پنجم . بهترین راه و روش شناخت انسان ۱۲۷

بخش دوم:

شناخت قرآنی انسان

مقدمه ۱۳۱

فصل یکم . ماهیت انسان

گفتار اول . راههای تعریف انسان ۱۳۵

گفتار دوم . تعریف قرآنی انسان ۱۳۶

ملاك انسانیت از دیدگاه قرآن ۱۳۸

بیان حقیقت افراد در قرآن ۱۴۳

انسان، «حی متألّه» ۱۴۹

معنای قرآنی «حیات» و «موت» ۱۵۲

فصل دوم . هویت قرآنی انسان

گفتار اول . وابستگی وجود انسان ۱۵۷

فقر محض انسان ۱۵۷

تهی بودن انسان ۱۵۹

مراتب اجوف بودن انسان ۱۶۲

وجود ربطی انسان ۱۶۴

گفتار دوم . مراتب چهارگانه وجود انسان ۱۶۵

گفتار سوم . فطرت و طبیعت ۱۶۸

فطرت ۱۷۰

علوم فطری ۱۷۱

علوم میزبان و میهمان ۱۷۳

گرایشات فطری ۱۷۶

- ۱۷۸ تمایل فطرت به کمال مطلق و نامحدود و تنفر از نقص
- ۱۷۹ اشتراک فطرت مشهور و مستور در تمایل به کمال
- ۱۷۹ تمایل به توحید و تنفر از شرك
- ۱۸۱ شواهد گرایش فطری به توحید
- ۱۸۵ لزوم حرکت در مسیر فطرت
- ۱۸۶ تقوا، شکوفاگر فطرت
- ۱۸۷ طبیعت انسان
- ۱۸۷ تمایلات طبیعی
- ۱۸۷ حیات یابی طبیعت از فطرت
- ۱۸۹ گفتار چهارم. ساختارهای وجودی انسان
- ۱۹۱ حیات، هماهنگ کننده ساختارهای علم و قدرت
- ۱۹۳ ساختار علمی انسان
- ۱۹۵ ساختار تمایلات انسان
- ۱۹۸ ساختار تواناییهای انسان

فصل سوم. اوصاف انسان در قرآن

- ۲۱۳ گفتار اول. مبدأ اوصاف ستوده و نکوهیده
- ۲۱۶ گفتار دوم. کرامت و برتری انسان
- ۲۱۶ ا. جلوه های کرامت انسان
- ۲۲۰ ب. جلوه های فضیلت انسان
- ۲۳۸ گفتار سوم. اوصاف نکوهیده انسان در قرآن
- ۲۳۸ ا. اوصاف بیان کننده طبیعت انسان
- ۲۳۹ ب. اوصاف ناشی از استفاده نادرست از طبیعت انسانی
- ۲۴۲ ج. اوصاف ناشی از سوء اختیار انسان

سخن‌ناش

بعد از خدای ازلی و رب لم یزلی، موجودی که به وجود آمد که خالق او تنها عنوان جامع و کامل موجود را به او عطا کرد که آن عنوان نه انسان است، نه بشر و نه آدم، بلکه عنوان الهی «خليفة الله» است: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۱ و تمامی عناوین دیگر، همه از آن عنوان جامع و شامل صادر می‌شود که همه اسامی زمینی‌اند و عنوان خليفة اللهی، لقبی است آسمانی.

این حقیقت که فرشتگان در شناخت او عاجز و ملائک در آفرینش او در دهشت و اضطراب‌اند، چه موجودی است: ﴿أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ...﴾^۲ این موجود کیست که تمامی فرشتگان و مقربان درگاه ربوبی، در ساحت علم او زانو می‌زنند و در مقابل وجود او پیشانی به خاک می‌سایند: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ... * وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا﴾^۳ این پدیده الهی چگونه خلقی است که خداوند او را در امر خضوع، شریک خود قرار داده و به فرشتگان، تعظیم و سجده در مقابل او را امر فرموده

۱ و ۲. سورة بقره، آیه ۳۰.

۳. سورة بقره، آیات ۳۱-۳۴.

است؟ او کیست که عرش و فرش و مَلَك و فَلَک مأمورند، بدو خدمت کنند تا او برای خدا باشد: خَلَقْتَ الْاَفْلاکَ لِاجْلِکَ وَ خَلَقْتَکَ لِاجْلِی .

خداوندی که منزّه از هر نقصی و عیبی است، در او چه دیده که او را با دو دست خویش آفریده: ﴿خَلَقْتُ بَیْدَیْ﴾^۱ و دیگران را در پرتو شفافیت وجود او حیات بخشیده است؟

او چه اعجاب و شگفتی ای دارد که مالک ملک و ملکوت و صاحب سطوت و جبروت او را از حقیقت خود سیراب کرده، جام و جانش را به شراب روحانی روح خود لبریز کرده است: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾^۲ این انسان کیست که به تنهایی حامل امانت الهی گشته و بار امانتی که خداوند به آسمان و زمین عرضه کرد و آنها نتوانستند تحملش کنند، به رغم ظلوم و جهول بودن، به دوش کشید؟ ﴿وَحَمَلَهَا الْاِنْسَانُ اِنَّهٗ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^۳ او چگونه آفریده‌ای است که تمامی کمالات امکانی از ولایت، نبوت، رسالت، امامت و... در عرصه آن ذات انسانی نمودار می‌شود.

آن سفره انسانی و پرده خلافت الهی است که همه این کمالات در آن نمایان است. این راز غیبی و سرّنهانی انسانی را چه کسی باید هویدا کند و باطن جانش را از کُمون و خفا به ظهور و بروز درآورد؟ آیا شناخت این حقیقت سخت و دشوار ممکن است؟

گرچه اکتناه ذات خلیفه الهی ناممکن و ممتنع است؛ لیکن باید به دنبال شناخت این حقیقت مخفی که ظهور آن که کنز پنهان غیبی است (کنت کنزاً

۱. سوره ص، آیه ۷۵.

۲. سوره ص، آیه ۷۲.

۳. سوره احزاب، آیه ۷۲.

مخفياً و أحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكي أعرف^۱ بود تا با معرفت او، عرفان الهی نصیب گردد و شهود حقیقت او، یادآور خالق و رب او گردد.

نسیان انسان با عصیان او همراه و شناخت انسان با عرفان اله همزاد است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». ^۲ وجود انسانی را می‌توان با شیوه‌های مختلف مورد مطالعه و آگاهی قرار داد. روشهای وحیانی، شهودی و عرفانی که از راه طبیعت گریزی و فطرت گروی حاصل می‌شود و روش نقلی و عقلی که در سایه تعامل و داد و ستد معرفت میان این دو منبع حاصل می‌شود.

قرآن که کلام الهی و سخن زیبای پروردگار است، سیرت انسانی را چگونه ترسیم می‌کند و به تصویر می‌کشاند و هویت وجودی او را برملا می‌سازد؟ آیا انسان تنها موجودی طبیعی است؟ آیا انسان تنها یک حقیقت فطری است؟ از ترکیب طبیعت و فطرت، چگونه می‌توان کمال جویی کرد؟

کلام الهی، ذات انسانی و اوصاف و افعال انسان را با توجه به تمام ابعاد او تبیین نموده و چیزی از بیان حقیقت انسانی فروگذار نکرده است؛ لیکن خود انسان از خود چه می‌گوید، خویش را چگونه تفسیر می‌کند؟ آیا قدرت تفسیر خود را دارد؟ آیا انسان هم مانند دیگر حقائق، دارای متشابه و محکم است؟ تفسیر متشابهات انسانی به محکومات او، چگونه و توسط چه عاملی امکان پذیر است؟ عقل چه جایگاهی در حقیقت انسانی دارد؟ آیا عقل می‌تواند از محکومات وجود انسانی شناخته شود؟ آیا دیگر شئون انسانی نیز محکم و متشابه دارد؟ آیا میدان عزم، اخلاق و عمل انسان نیز از دو جبهه

۱. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۹۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۲.

متشابه و محکم در آزار است؟ آیا ناقدان عقل با عارفان حق، سخن یکسان دارند؟

این نظریه که به نظریه «تفسیر انسان به انسان» شناخته شده، از ابداعات و آورده‌های بکر و بی‌نظیر استاد فرزانه آیت الله جوادی آملی (دام‌ظله) است که با اشراف کامل به حقائق قرآنی و معارف عرفانی و دقائق برهانی، بساط این نظریه بدیع را گسترده و تاثرهای آن پیش رفته و موشکافانه مسائل آن را تحلیل کرده است.

بی‌شک برای تبیین و توضیح این نظریه بی‌سابقه که یکی از بارزترین مصادیق تولید علم در عرصه برترین علوم انسانی، یعنی انسان‌شناختی است، اندیشه‌ها و تلاشهای بی‌وقفه محققان و فضلاء مؤسسه تحقیقاتی اسراء سهم مؤثری داشته که با نام آنان، یاد آنها را ارج می‌نهم و سپاس می‌گزاریم: حجج الاسلام غروی، الهی زاده، مصطفی پور، بندعلی و صبحی.

این کتاب در ساختار منطقی خود به ۳ بخش عمده و هر بخش به ۳ فصل تقسیم شده است: در بخش نخست به کلیات بحث انسان‌شناسی، ضرورت، امکان و راههای شناخت انسان می‌پردازد.

بخش دوم به ماهیت و هویت انسان از منظر قرآنی می‌پردازد و ضمن بیان مراتب هستی انسان، دو جهت طبیعت و فطرت را در انسان برجسته و به اوصاف انسانی در پرتو قرآن می‌پردازد.

در بخش سوم این کتاب به بحث اصلی آن، یعنی تفسیر انسان به انسان پرداخته و با بیان محکم و متشابه در ذات نفس انسانی، با ارجاع متشابهات از وجود و شئون اندیشه‌ای و انگیزه‌ای، و رفتاری و عملی او، به محکمت بخشهای مذکور، او را تفسیر درونی می‌نماید.